



عکس: ایرنا

نتیجه آخرین پژوهش‌ها درباره اقتصاد زنان در جامعه و خانواده نشان می‌دهد

زنان فقیرتر شده‌اند

برای هزینه‌کرد پول، با مرد است. زنان در پول مرد شریک نمی‌شوند. در کنار این موضوع خشونت‌های پنهان قرار می‌گیرد که خودش دوباره زیرمجموعه دارد، یکی مالکان بی‌قدرت و دیگری استراتژی دوگانه مردان در وضعیت ضعف و قدرت اقتصادی است. مسئله مالکان بی‌قدرت بسیار جالب است؛ یعنی زن تملک دارد اما روی آنچه دارد، اختیاری ندارد. یعنی داشتن مالکیت باعث نمی‌شود که قدرت و تصمیم‌گیری یا بهره‌برداری از آنچه برای خودش است، در اختیارش قرار گیرد. حتی در مورد اموالی که به ارث می‌برد چنین وضعیتی دارد. انبوهی از تصمیمات ریز و خرد و اعصاب خردکن برای زنان است، اما تصمیمات بزرگ را مردان می‌گیرند. او می‌گوید همه اینها در شرایطی است که وقتی مردان در موقعیت ضعف اقتصادی قرار می‌گیرند، زنان را شریک این ضعف خود می‌کنند: «وقتی مردان در موقعیت ضعف قرار می‌گیرند، استراتژی‌شان تغییر می‌کند. عموماً مردان دوست ندارند زن بدانند چقدر پول دارند یا چطور پول‌شان را خرج می‌کنند.» به گفته او، در مقابل زنان هم در چنین وضعیتی استراتژی‌های مخصوص به خودشان را دارند و آن‌ها هم پنهان کردن است. تبدیل پول به کالا، یا صندوق‌های خانوادگی و کار ارزان‌روشی‌های آنها برای پولدار شدن است. یا مثلاً مرد را به طلاق و انجام ندادن کارهای خانه تهدید می‌کنند: «زنان فقیرترین عضو خانواده هستند، زنان هم از بازار اقتصادی طرد می‌شوند، هم از منابع اقتصادی در خانواده. آنقدر که پسران از منابع مالی خانواده بهره‌مند می‌شوند، زنان بهره‌ای نمی‌برند و اینها یک تنش خاموش برای زنان است.»

نابرابری در دسترسی زنان به منابع مالی

سهیلا علیرضائزاد، جامعه‌شناس و پژوهشگر زنان و جنسیت است و در این نشست با اعلام اینکه در وضعیت فعلی مردان هم تحت فشار هستند، می‌گوید: «از نظر من بنیان ساخت جنسیتی، روی مردان هم تاثیر گذاشته است و ما همیشه مردان را به عنوان نان‌آور می‌شناسیم. جدای از اینکه زن پول دارد یا ندارد، مرد، نان‌آور خانه است و زندگی اقتصادی خانواده بر مبنای درآمد مرد تأمین می‌شود. بنابراین مرد صاحب دارایی‌های خانه است. اگر زن سرپرست خانواده باشد، پول دست زن است، مثلاً اگر مرد دچار ورشکستگی، اعتیاد یا بیماری شده باشد، تصمیمات اقتصادی و مالی خانواده را زن به عهده می‌گیرد که



بر اشتغال زنان، به این موضوع هم پرداخته شد که زنان براساس قانون چه چیزی می‌گیرند، چه چیزی می‌دهند. مثلاً مهریه به آنها چه می‌دهد، چه چیزی می‌گیرد. یا قانون ارث چه چیزی می‌دهد، چه می‌گیرد. ما در این مطالعه سعی کردیم تمام قوانین را بررسی کنیم اما تجمیع آن برای من شگفت‌آور بود. ما به این نتیجه رسیدیم که خود قانون به‌ویژه قانون مدنی، مانع اقتصادی برای زنان است.»

براساس اعلام این پژوهشگر، پس از بررسی سویه اول، آنها سراغ تجربه زیسته اقتصادی زنان رفتند؛ تمرکزشان هم بر زنان شهری تهران بود و زنان شهری طبقه متوسط، بالا و فرودست تهران در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند: «ما این زنان را براساس موقعیت جغرافیایی، میزان درآمد و میزان مالکیت‌شان انتخاب کردیم، مصاحبه‌های عمیقی از تجربه‌های زیسته‌شان انجام دادیم و مشاهده مشارکتی با این زنان داشتیم. یعنی برای انجام پژوهش وارد زندگی آنها شدیم، با آنها به مهمانی رفتیم و رفتارها و تعاملات‌شان را بررسی کردیم. در سویه سوم این پژوهش، سراغ تجربه مداخله‌گران رفتیم. یعنی آن‌جایی که روی مداخله اقتصادی زنان طبقه فرودست تمرکز کرده است، البته اطلاعات خوبی هم از آنها به دست آوردیم. با سیاست‌گذاران یعنی افرادی که در مدیریت ارشد حوزه زنان کار می‌کنند صحبت کردیم، البته نتوانستیم با معاونت فعلی زنان ریاست جمهوری ارتباط بگیریم اما با نماینده سابق و معاونت زنان سابق مصاحبه گرفتیم.» او گفت جمع‌آوری داده‌های تجربه زیسته اقتصادی زنان حدود یک‌سال زمان برد، چراکه در میانه راه، اتفاقات سال ۱۴۰۱ رخ داد و برای مدتی جمع‌آوری داده‌ها متوقف شد. در نهایت یک پرسشنامه دلفی تهیه شد تا یک بسته سیاستی برای مداخله در وضعیت اقتصادی زنان پیشنهاد شود.

مالکان بی‌قدرت

به گفته او، خشونت آشکار، خشونت پنهان، عناصر فرهنگی مؤثر بر زنان و اقتصاد و استراتژی‌های اقتصادی زنان و انگیزه‌های کسب درآمد از نتایج این پژوهش است: «از بخش خشونت‌های آشکار دو موضوع را انتخاب کردیم که یکی فقر زنان در خانواده است. زنان در خانواده‌های طبقه متوسط و بالای اقتصادی، پول متعلق به خودشان را ندارند و پولی که برای زنان است اشتراکی است، یعنی برای خورد و خوراک و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما پول مرد برای خودش است. مرد پول را در خانواده تقسیم می‌کند. تصمیم‌گیری

ماجرای بر سر اقتصاد زنان است؛ میزان پولی که در اختیار دارند و میزان اختیاری که بر سرمایه‌شان دارند. آخرین پژوهش‌ها حکایت از فقیر بودن زنان دارد؛ زنانی که در خانواده دچار تبعیض‌های مالی‌اند و در محل کار در رتبه پایین‌تری از مردان قرار دارند. کارفرما کار زن را لوکس می‌داند و پول کمتری به او می‌دهد. او در خانه هم، شریک درآمدهای همسرش نیست و در تصمیم‌های مالی شرکت داده نمی‌شود. پژوهشی که در این زمینه انجام شده بود نشان می‌دهد که سهم زنان از اشتغال بسیار پایین است، آنها را حتی در جایگاه‌های ارشد مدیریتی هم قرار نمی‌دهند. از آن طرف هم قانون محدودیت‌های فراوانی برای‌شان ایجاد کرده؛ قانون ارث، مهریه و... حذف ساختاری و نظام‌مند زنان از بازار و نابرابری در دسترسی آنها به منابع مالی، مردانه بودن بازار و وضعیتی که آنها را در جایگاه مالکان بی‌قدرت قرار داده، مجموعه موضوعاتی است که در نشست «جیب و جنسیت» مطرح شد؛ جیب و جنسیت، اولین نشست از مجموعه نشست‌های جنسیت و نابرابری موسسه رحمان بود که با حضور نفیسه آزاد دکترای جامعه‌شناسی، سهیلا علیرضائزاد جامعه‌شناس و پژوهشگر زنان و جنسیت و زهرا رهایی، دکترای تخصصی اقتصاد و کسب‌وکار و دبیر انجمن زنان کارآفرین برگزار شد.

سهم پایین زنان از اشتغال و مدیریت اقتصادی

نفیسه آزاد، دکترای جامعه‌شناسی دارد. او رئیس پیشین اداره راهبردی برنامه‌ریزی شهرداری تهران است و پژوهش‌های متعددی درباره نابرابری جنسیت زنان انجام داده است. آزاد در این نشست از نتیجه پروژه پژوهشی یک‌ساله که به مدت سه‌سال زمان برده و زمستان سال گذشته تمام شده، گفت: «وقتی این موضوع را شروع کردیم متوجه شدیم که چقدر موضوع پیچیده‌ای است و چقدر ابعاد زیادی دارد. این پروژه سه سال طول کشید. در این پژوهش سه سویه بررسی شد که اولی قانون بود؛ تاثیر قانون بر اقتصاد زنان.» به گفته این جامعه‌شناس: «آمارهای کلان نشان می‌دهد زنان در ایران بسیار فقیرند و سهم‌شان از اشتغال رسمی حدود ۱۲/۸ تا ۱۴ درصد است و درصد مالکیت آنها بر زمین هم بسیار پایین است. آنها در بخش مدیریت ارشد و مدیریت اقتصادی هم سهم زیادی ندارند. حتی در مقایسه با کشورهای منطقه هم وضعیت اشتغال زنان در ایران خوب نیست و این نمی‌تواند تصادفی باشد.» او ادامه می‌دهد: «در بخش تاثیر قانون



پیدا شدن سومین مفقودی سیل کندوان

پیکر سومین مفقودی ناشی از سیل ۲۴ خردادماه در جاده چالوس، توسط امدادگران هلال احمر چالوس پیدا شد. محمد شریفی، فرماندار چالوس گفته است که امدادگران هلال احمر ساعت ۱۶ روز یکشنبه پیکر بانوی ۴۶ ساله مفقودشده در سیل جاده چالوس را با گذشت ۱۰ روز، در محدوده پل اوشن رودخانه چالوس در جاده کندوان پیدا کردند. او ادامه داد: «جسد زن ۴۶ ساله به دلیل جراحات وارده به پزشکی قانونی تحویل داده شد؛ چراکه پس از گذشت ۱۰ روز برای شناسایی و احراز هویت باید تحویل داده می‌شد.» به گفته شریفی، پنجشنبه ۲۴ خردادماه جاری شدن سیل در جاده کندوان در محدوده رستوران دربند را داشتیم که خسارت به زیرساخت‌ها و واحدهای تجاری حاشیه جاده را داشت و ۱۶ نفر مصدوم شدند و سه نفر جان باختند. براساس این گزارش، مفقودی سیل پسرپنجه ۱۰ ساله، دختر ۲۰ ساله و مادر خانواده ۴۶ ساله بودند که اجساد آن‌ها با ورود نیروهای امدادگران پیدا شد.



پُر شدن صندلی‌های تخصصی و فوق تخصصی

ابوالفضل باقری فرد، معاون آموزشی وزارت بهداشت گفته است که در دو سال گذشته صندلی‌های تخصصی و فوق تخصصی با توجه به مصوبات و آیین‌نامه ما تقریباً پُر شده است: «از جمله اقدامات این حوزه، افزایش ظرفیت و پذیرش بوده در حالی که در گذشته ظرفیت بالا می‌رفت، اما پذیرش بالاتر نمی‌رفت. در برخی رشته‌های تخصصی که صندلی‌ها خالی می‌ماند هم امسال با روش بورسیه یا پذیرش مستقیم پُر خواهد شد.» او ادامه داد: «در آزمون دستیاری امسال با وجود همه مشکلات ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان مجاز به انتخاب رشته شدند و این یعنی حداقل نمره را کسب کردند. این امر نشان‌دهنده استاندارد بودن آزمون است که برگزار شده. یکی از موارد این که دو سال پیش علاوه بر پذیرش مورد نیاز دانشگاه، تعدادی دستیاری پزشکی بدون اخذ وجه و با اخذ تعهد قبول شدند که مشمول بورسیه شدند؛ از جمله حوزه ناپاروری که با توجه به قانون جوانی جمعیت، برخی استان‌ها فاقد متخصصان بودند و مشمول این طرح شدند. این متخصصان ملزم هستند که یک‌بار به مدت زمان تحصیل، در همان شهر خدمت کنند و این یعنی افزایش سطح دسترسی به پزشک متخصص.»



مراکز درمانی موظف به تأییدیه ایمنی

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران به مراکز درمانی هشدار داد که اگر تأییدیه ایمنی نداشته باشند، پرونده آن‌ها به قوه قضائیه فرستاده خواهد شد. قدرت‌الله حمیدی در این باره گفت: «تعداد مراکز درمانی زیاد است و مراجعان زیادی هم دارند اما خیلی از آن‌ها مانند برخی مطب‌ها که در زمینه زیبایی فعالیت می‌کنند، تأییدیه ایمنی نگرفته‌اند. امسال یکی از اولویت‌های ما مراکز درمانی است که در همین راستا هماهنگی خوبی هم با وزارت بهداشت داریم، زیرا در تهران حدود ۲۵۰۰ مرکز درمانی داریم که ۱۰۰۰ مورد آنها هنوز برای ارزیابی ایمنی به ما مراجعه نکرده‌اند. با همکاری وزارت بهداشت، تمدید پروانه کار آنها مشروط به تأییدیه ایمنی است.»